

پژوهش‌ها در معماری اسلامی ۱۴

شماره شتاب: 980 X - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۶

- توسعه پذیری فضای انسان ساخت با خلاقیت در گشایش فضائی خانه‌های سنتی کرمان
سید مجید هاشمی طفرالجردی / مازیار آصفی / مظفر مهاجری
- معناشناسی حیات و سرزندگی در آموزه های اسلامی و بررسی تاثیر آن در محله
فرهنگ مظفر / عبدالحمید نقره کار / مهدی حمزه نژاد / صدیقه معین مهر
- بازشناسی تاثیر اندیشه عرفانی در پدیداری رنگ آبی در کاشیکاری مساجد ایران
حسین مرادی نسب / محمدرضا بمانیان / ایرج اعتصام
- تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس
مبانی حکمت متعالیه
سمانه تقدیر
- جایگاه پایه‌ای ایوان در ارتقاء راندمان عملکردی در مساجد
مریم کیایی / یعقوب پیوسته گر / علی اکبر حیدری
- جستاری در نسب‌شناسی و ویژگی‌های سبک فردی هنرمندان گچ‌بر در قرن هشتم
هجری
احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی نژاد
- مقایسه ساختار فضایی - عملکردی مسجد امام اصفهان و مسجد وکیل شیراز
مصطفی آزادی / ملیحه تقی پور



پژوهش‌های معماری اسلامی ۱۴

شماره شایا: X 980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال پنجم - شماره اول - بهار ۱۳۹۶

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: دکتر محسن فیضی

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: محمد رضا عطایی همدانی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طبیبیان : استاد دانشگاه تهران

دکتر حمید ماجدی : دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معاریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۰۶ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / تلفن مستقیم: ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۳۴۳

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / نشانی وب: <http://iust.ac.ir/jria>



۱	توسعه پذیری فضای انسان ساخت با خلاقیت در گشایش فضائی خانه‌های سنتی کرمان سیدمجید هاشمی طغرالجردی / مازیار آصفی / مظفر مهاجری
۱۸	معناشناسی حیات و سرزندگی در آموزه های اسلامی و بررسی تاثیر آن در محله فرهنگ مظفر / عبدالحمید نقره کار / مهدی حمزه نژاد / صدیقه معین مهر
۳۲	پازشناسی تاثیر اندیشه عرفانی در پدیداری رنگ آبی در کاشیکاری مساجد ایران حسین مرادی نسب / محمدرضا بمانیان / ایرج اعتصام
۴۸	تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه سمانه تقدیر
۶۸	جایگاه پایه‌ای ایوان در ارتقاء راندمان عملکردی در مساجد مریم کیایی / یعقوب پیوسته گر / علی اکبر حیدری
۸۴	جستاری در نسب‌شناسی و ویژگی‌های سبک فردی هنرمندان گچ‌بر در قرن هشتم هجری احمد صالحی کاخکی / بهاره تقوی نژاد
۱۰۵	مقایسه ساختار فضایی - عملکردی مسجد امام اصفهان و مسجد وکیل شیراز مصطفی آزادی / ملیحه تقی پور



تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه



سمانه تقدیر*

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۰۶

چکیده:

شناخت مراتب و فرایند ادراک انسان و نحوه تعامل او با هستی از موضوعات مهم در حوزه معماری است در دوران معاصر صاحب نظران حوزه معماری نسبت به شناخت مراتب ادراک انسان و نقش آن در فرایند خلق و ادراک آثار معماری بیش از پیش توجه نشان داده اند و با انتقاد به دیدگاه مدرن در توجه صرف به مرتبه حسی ادراک آنها با تمرکز بر حس بینایی، لزوم توجه به همه مراتب ادراک انسان را مطرح می نمایند. البته امروزه حوزه ای که ادراک در آن بررسی میشود بیشتر حوزه روانشناسی محیط است. اما رویکرد پژوهش حاضر متفاوت است. از منظر این پژوهش یکی از مهمترین حوزه هایی که می تواند در فهم چستی ادراک و فرایند آن کمک کند فلسفه است. لذا با مبنا قراردادن دیدگاه حکمت متعالیه به عنوان شالوده نظری خود در مرحله اول با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تعریف انسان، قوای ادراکی و مراتب ادراک انسان و فرایند تحقق پذیری هر یک از مراتب پرداخته و در مرحله بعد با استفاده از روش استنباط و استدلال منطقی به بیان تناظر میان مراتب ادراک انسان و عوالم هستی پرداخته و با کمک مدلهایی مراتب و مراحل ادراک انسان از هستی را تبیین می نماید. و بر اساس آن ها به بیان چگونگی تاثیر گذاری مرتبه ادراک انسان و سطح تعامل او با هستی بر شکل گیری کیفیت آثار معماری می پردازد...

بر اساس پژوهش صورت گرفته می توان گفت انسان دارای چهار سطح ادراک (حسی، خیالی، عقلی و شهودی) متناظر با عوالم هستی است. و قوای ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) و باطنی (حس مشترک، خیال، واهمه، حافظه، متصرفه) به تحقق ادراک او کمک می کنند. مطالعات نشان می دهد ادراک انسان منجر به ایجاد خزانه ای از معنا و صورت در نفس انسان می شود که این خزانه مهمترین منبع شکل دهی به ایده ها در انسان هنرمند است. زیرا انسان معمار با کمک قوه متصرفه خود و با مراجعه به خزانه معنا و صورت در نفس خود اقدام به آفرینش می نماید لذا کیفیت محتوای این خزانه بر کیفیت خلق آثار معماری تاثیر گذار است. همچنین براساس دیدگاه حکمت متعالیه استعداد های ذاتی انسان و مهارت های اکتسابی او نیز در کیفیت آثار معماری موثر هستند.

واژه های کلیدی: مراتب ادراک، فرایند ادراک، خلق، آثار معماری، حکمت متعالیه.

طریق استنباط و استدلال منطقی به بیان تناظر میان مراتب ادراک انسان و عوالم هستی پرداخته و سعی می‌نماید با کمک مدل‌هایی مراتب و مراحل ادراک انسان از هستی را تبیین نماید. و بر اساس آن‌ها به بیان چگونگی تاثیر گذاری مرتبه ادراک انسان و سطح تعامل او با هستی بر شکل‌گیری کیفیت آثار معماری بپردازد.

پیشینه موضوع

پرسش از ابزارها و مراتب ادراک انسان و نقش آن در خلق و ادراک آثار معماری از دغدغه‌های جدی صاحب‌نظران حوزه معماری بوده است. در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی درباره این مقوله صورت گرفته است. از افراد شاخصی که در این مقوله دیدگاه‌های خود را در قالب کتاب و مقالات نشر داده است می‌توان به یوهانی پالاسما، استیون هال، آلبرتو پرزگومز اشاره کرد. (نویسندگان کتاب پرسش‌هایی از ادراک) البته نوشته‌های پالاسما در این زمینه بیشتر می‌تواند مورد استفاده معماران قرار گیرد زیرا همان‌طور که استیون هال در مقدمه‌ای که برای کتاب "چشمان پوست" او نوشته، مطرح می‌نماید "پالاسما صرفاً یک تیورسین نیست بلکه یک معمار سرشناس در بینش پدیدارشناسی است" و از زمان انتشار کتاب "معماری تجربه‌گرا" اثر معمار دانمارکی استین ایلر راسموسن، در سال ۱۳۵۹ تاکنون چنین متن صریحی که بتواند در این زمان بحرانی در جهت پیشرفت معماری قرن ۲۱ در اختیار دانشجویان و معماران قرار گیرد منتشر نشده است. (پالاسما ۱۳۸۸، ۱۷)

به طور خلاصه می‌توان گفت آنچه پالاسما به آن انتقاد دارد اصرار بیش از حد معماران معاصر بر اولویت بخشی به ادراک حس بینایی انسان و غفلت نسبت به سایر حواس و دریافت‌های اوست. آن چیزی که او آن را رهاورد تفکر مدرن می‌داند و آنچه خود او به آن تاکید می‌نماید توجه به تمامی ادراکات حسی (اعم از بیرونی و درونی) انسان در خلق آثار معماری است. (پالاسما ۲۰۰۵) البته این دیدگاه فاصله معناداری با آنچه این پژوهش در تبیین مراتب ادراک مبنا قرار داده، دارد. زیرا ادراکات انسان تنها به مرتبه حسی خلاصه نمی‌شود. اما کلیات دیدگاه آن نسبت به انسان و پدیده معماری نسبت به سایر دیدگاه‌ها به مبانی این پژوهش

مقدمه

ادراک انسان از هستی و نحوه این تعامل از موضوعات مهم در حوزه خلق آثار معماری است. با توجه به این که مرتبه ادراک انسان از هستی، سطح تعامل او و هستی را شکل می‌دهد در راستای ارتقا کیفیت خلق آثار معماری و شهرسازی شناخت مراتب و مراحل ادراک انسان مساله‌ای ضروری است

در حال حاضر نحوه ادراک انسان از هستی و تاثیر آن بر معماری و شهرسازی در قالب مقوله "رابطه انسان و محیط" از منظر روانشناسی و توسط روانشناسان محیطی بررسی می‌شود. ایشان نیز بر اساس یک دیدگاه فلسفی مشخص و مبنای نظری روشن، به تعریف انسان، مراتب ادراکی او و محیط و ابعاد آن و نحوه تاثیر گذاری آن بر انسان نمی‌پردازند و فقدان این نگرش لطمات زیادی به حوزه طراحی محیط، اعم از معماری و شهرسازی، وارد نموده است. لذا برای دستیابی به نتایج دقیق باید اصول جامعی به عنوان مبنا در نظر گرفته شود. این پژوهش با قراردادن مبانی حکمت متعالیه، به عنوان شالوده نظری خود، به تبیین رابطه مراتب ادراک انسان از هستی و کیفیت خلق آثار معماری و چگونگی تاثیر گذاری آن پرداخته است.

علت انتخاب حکمت متعالیه به عنوان شالوده نظری پژوهش این است که، مبنای نظری نگارنده در پژوهش‌ها همواره نظریه "دین حداکثری" است (ر.ک: جوادی آملی ۱۳۸۵، ۲۲۸) و در میان مکاتب فلسفی مطرح، مکتب فلسفی ملاصدرا که با عنوان "حکمت متعالیه" شناخته می‌شود با رویکرد نظریه "دین حداکثری" نزدیک تر است. زیرا همانگونه که در این نظریه برای کسب معرفت از سه ابزار قرآن، سنت، و عقل و فطرت، توأمان در یک رابطه طولی بهره گرفته می‌شود. در حکمت متعالیه نیز کسب معرفت بر پایه اشراق یا شهود عقلی، (کشف یا ذوق یا اشراق)، دلیل یا برهان عقلی (عقل یا استدلال) و دین یا وحی (شرع یا وحی) حاصل می‌گردد. روش مورد استفاده در این پژوهش در مرحله اول مراجعه به مبانی حکمت متعالیه برای شناخت نفس انسان، قوا، مراتب و مراحل ادراکی و عوالم هستی و چگونگی ادراک انسان از هستی بوده است. (توصیفی - تحلیلی) و در مرحله دوم از

نزدیک تر است.

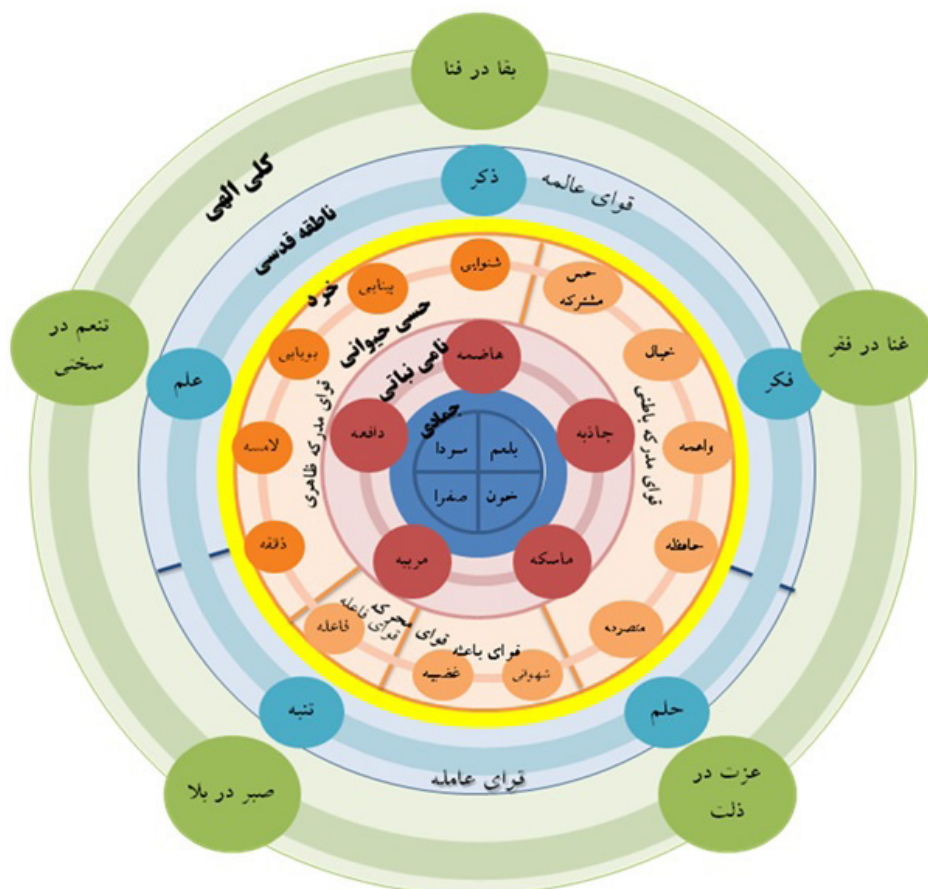
باید اشاره کرد در راستای شناخت ادراک انسان از محیط پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. که همان گونه که اشاره شد بیشتر از منظر روانشناسی محیط بوده است. که بر اساس آن دو نگرش کلی در مورد ادراک وجود دارد. یکبیر دریافت تجربه حسی و دیگری به حواس به عنوان نظام‌های فعال و مرتبط متکی است. دسته اول چگونگی قرارگیری داده‌های حسی و واحدهای مفروض ادراک در مغز را توضیح می‌دهند مهمترین این نظریه‌های ادراکی عبارتند از: تجربه گرابی، مکتب کنش متقابل، نظریه‌های فطرت گرا و خرد گرا، نظریه گشتالت، نظریه تحلیل اطلاعات و در مقابل این نظریه‌ها رویکرد اکولوژیک گیسون است. (لنگ، ۱۳۸۸، ۹۷) در حالی که در قرن بیستم نظریه گشتالت (روانشناسان گشتالت عواملی را که ادراک فرم را تحت تاثیر قرار می‌دهند تدوین کرده‌اند) بیشترین تاثیر را بر انگاره‌های طراحان محیط داشته است. در دوران اخیر این نظریه از سوی نظریه‌های کنش متقابل (نظریه کنش متقابل بر نقش تجربی ادراک تاکید دارد و رابطه‌ای پویا بین فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می‌دهد. و ادراک کنشی متقابل به حساب آمده است. که در آن محیط، مشاهده‌گر و ادراک وابستگی متقابل دارند) و اکولوژی (این رویکرد، یک رویکرد پیشروست، این رویکرد و به جای به حساب آوردن حواس به عنوان کانال‌های حسی، آن را نگاهی ادراکی در نظر می‌گیرد (گیسون، ۱۹۶۶)، در زمینه تبیین چگونگی ادراک جهان هستی مورد سوال قرار گرفته است. در این بخش مجال پرداختن به نظریه‌های ادراک نیست اما نکته‌ای که حائز اهمیت است این است که وجود نظریه‌های متناقض بیانگر ماهیت نظری و حدسی درک از فرآیند ادراک است، هرچند که در پاره‌ای از موارد اشتراک نظرهایی وجود دارد. (لنگ، ۱۳۸۸، ۱۰۵) اما باید توجه داشت شناخت فرآیند ادراک انسان از محیط بر اساس مبانی علمی و قابل اعتماد امری ضروری است. به خصوص در آفرینش‌های هنری که ادراک خالق اثر و مخاطب اثر نقش به‌سزایی در فرآیند خلق آثار هنری دارند. و معماری نیز به عنوان یکی از کاربردی‌ترین آثار هنری از این مقوله مستثنا نیست. بنابر این همواره مقوله شناخت و ساختار بخشی به مبانی

ارایه شده در حوزه انسان‌شناسی وهستی‌شناسی و ساده‌سازی آنها جهت کاربرد در حوزه معماری از مقولات مهم و تاثیر گذار در تبیین رابطه انسان و محیط بوده است. در این راستا پژوهش‌های متعددی نیز صورت گرفته که به تبیین اصول کلی این رابطه پرداخته‌اند. که مهمترین آنها عبارتند از: (ندیمی، ۱۳۸۰) (نقره کار ۱۳۸۷ و ۱۳۹۳) (بلخاری ۱۳۸۸) (سامه ۱۳۹۳) (نقی زاده و استادی، ۱۳۹۳). اما این پژوهش با رویکردی نو در نظر دارد با در نظر گرفتن دیدگاه حکمت متعالیه به عنوان شالوده نظری خود ساختار دقیق تری از قوای ادراکی، مراتب ادراک و فرایند تحقق هریک از مراتب ادراک انسان ارایه دهد تا با کمک آن شناخت مناسب تری نسبت به رابطه انسان و محیط پیرامون او حاصل گردد

۱- مراتب نفس انسان

یکی از کاملترین تعاریفی که از نفس انسان موجود می‌باشد، مربوط به روایتی از امام علی (ع) است که بر اساس آن "نفس انسان" دارای مراتبی چهارگانه است شامل: نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطقه قدسی، و کلی الهی. و هر یک از این چهار نفس را، پنج قوه و دو خاصیت است^۳ (حسن زاده، ۱۳۷۷، ۸۲۴). در میان فیلسوفان مسلمان، دیدگاه ملاصدرا، بیشترین نزدیکی را به دیدگاه حضرت علی (ع) پیرامون مراتب نفس انسان^۴ دارد سعی نموده مراتب نفس و قوای آن را با جزئیات معرفی نماید که در پژوهش‌های قبلی نگارنده مبسوط به آنها پرداخته شده. (ر.ک: تقدیر ۱۳۹۳، ۸۱) و مدلی از مراتب نفس و قوای آن بر اساس این مبانی ارایه شده است (مدل ۱)





نمودار ۱: مدل جامع از مراتب و قوای نفس انسان بر اساس دیدگاه اسلامی (منبع: نگارنده ۱۳۹۳، ۱۰۳)

و کمالات مربوط به آنها نیست، بلکه هر مرتبه متمم مرتبه قبلی است. مثلاً نوع حیوان صورت متکامل و پیشرفته همان نباتی است و نوع نباتی نیز مرتبه کاملتری از انواع معدنی (جمادی) است به شمار می آید. (همان، ۱۳۴) ارتقا از مرتبه جمادی تا مرتبه حسی حیوانی بدون نیاز به اراده انسان و تنها با بلوغ جسمی محقق می شود. اما رسیدن به مراتب بالاتر نفس با اراده انسان انجام می گیرد و نیاز به تلاش در راه کسب ایمان و انجام عمل صالح است.

در این پژوهش تمرکز بر قوای ادراکی انسان است لذا وارد جزئیات سایر قوای نفس نشده است. در ادامه این قوا و قابلیت های آن به تفکیک بیان می شود.

۲- قوای ادراک انسان

نفس انسان برای ارتباط با هستی (محیط پیرامون) و درک

در یک تعریف اجمالی می توان گفت: در دیدگاه حکمت متعالیه انسان ذاتی است که مجموعه ای از تمام آنچه را که در عالم هست به وجه استعداد و قوا داراست. انسان یک حقیقت است که دارای مراتب گوناگون می باشد. بدن چیزی جز مرتبه نازل نفس نیست. نفس جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا است. یعنی ابتدا ماده جسمانی وجود دارد و نفس به تدریج از خلال ماده و حرکت جوهری آن پدیدار میشود. (شجاری ۱۳۸۸، ۱۳۱) نفس انسان از همان مرحله جنینی شروع به تکامل می نماید و با ازدیاد سن و بلوغ جسمی و بلوغ معنوی و رشد باطنی مسیر تکامل را طی می کند. بنابراین نفس انسان دارای مراتب طولی متعددی است که هر یک کامل تر از مادون خود می باشد. و یافتن مراتب عالی به معنای از دست دادن مراتب مادون

آن دارای قوایی ظاهری و باطنی است. در این پژوهش و با مبنا قراردادن دیدگاه ملاصدرا، این قوا در قالب جدولی مروری بر نظرات حکمای اسلامی پیرامون قوای ادراکی نفس انسان و ویژگی‌های کارکردی آن صورت گرفت.

جدول ۱: معرفی قوای ادراکی نفس انسان و کارکردهای آن بر اساس نظر متفکران اسلامی (با تأکید بر نظر ملاصدرا) (نگارنده، ۱۳۹۳، ۸۹)

جنس قوا	وظیفه قوا	قوای نفس	مرتبۀ نفس	
مادی	دیدن	بینایی	ظاهری	
	شنیدن	شنوایی		
	بویدن	بوایی		
	چشمیدن	چشمایی		
	لمس کردن	لامسه		
مجرد (تجربۀ برزخی)	مدرک صور است مانند آینه دو رو نقش می‌گیرد رو به جهان حس دارد و از روی دیگر به عالم غیب پر می‌گشاید و از راه نفس و قوه مخیله [خیال متصل] صور معانی را که مفاهیمی مجرد و ملکوتی اند درک می‌کند. ^۵ قلمرو فعالیت: ادراک محسوسات در حال حضور ماده ادراک محسوسات در حال عدم حضور ماده، در خواب یا بیداری ادراک امور حاصل از ترکیب صور و معانی ادراک امور حاصل از اتصال با مثال	حس مشترک	حسی حیوانی	
	معانی جزئی را درک می‌کند. معانی جزئی اموری هستند که در قالب شکل و صورت منعکس نمی‌شوند؛ همچون محبت به مادر و یا فرزند و تفریح خاص از یزید و شاریون	واهمه		قوای باطنی
	قوه خیال خزانۀ صور و نگاه‌دارنده آنهاست و خود مدرک نیست، بلکه معین بر ادراک است. از این رو، مستقیماً نقش ادراکی ندارد و صرفاً محل نگهداری صور و مخزن آنهاست. بدین روی، این قوه خزانۀ حس مشترک و صورتهای موجود در آن است	خیال		
	حافظه صرفاً نگاه‌دارنده و حافظ باورها، معرفت‌ها و اطلاعات است و با یادآوری، معرفت‌ها و باورهای کسب شده و ذخیره شده را در اختیار ما قرار می‌دهد، اما خود مولد آنها نیست. ^۶	حافظه		
	هم در صور و هم در معانی حاصل در نفس تصرف می‌کند. و به تجزیه و تحلیل آنها	متصر		

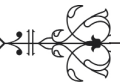


	می پردازد. این قوه بر اساس آنکه توسط کدام قوه تسخیر شود و به استخدام آن درآید، نام خاصی دارد. اگر واهمه یا نفس حیوانی آن را به کار گیرد و در صورت معانی جزئی تصرف کند، «متخیله» نامیده می شود و اگر در استخدام عقل و نفس ناطقه قرار گیرد و عقل به کمک آنها به تعریف و استدلال پردازد، «متفکره» نام دارد			
مجرد	هیولانی	نخستین مرتبه عقل است، قوه صرف است و استعداد تمامی معقولات را داراست	عقل نظری (قوه ادراکی مطلق)	ناطقه قدسی
	بالمملکه	اولین سطح معقولات که در تمامی انسانها مشترک است شامل: اولیات، تجربیات، متواترات، معقولات مثال: تکل بزرگتر از جزء است زمین سنگین است. دروغ زشت است		
	بالفعل	با افعال ارادی حدود وسط قیاسات را دریافته و از طریق براین گوناگون به علوم دسترسی پیدا می کند. در این مرحله ارتباطش با مخزن علوم برقرار است. اما همه علوم را به همراه ندارد و هر وقت که بخواهد در آن مخزن چیزی ببیند می تواند همان عقل بالفعل است با این اعتبار که معقولات اکتسابی را هنگام اتصال به میدا فعال و یا عقل فعال مشاهده می کند. این مرتبه کمال و مرتبه نهایی در مسیر صعودی موجودات در قوس صعود است.		
مجرد (وجودی نوری)	عقل فعال	ادراک معقولات و احاطه به کلیات (عقل فعال دو هستی دارد. یکی در ذات خود و دیگری در جهان ما. کمال نفس آدمی و تمامیت وجود آن و هدف آن همان وجود عقل فعال برای نفس و اتصال و یکی شدن با آن است. وجود عقل فعال نوری، علوی و جوهری قدسی و الهی است که نفس از آن نوریاب گشته در نتیجه عقل کامل به فعلیت رسیده ای می گردد).	کلی الهی	

ادراک متناظر با مراتب وجودی نفس خود است. این چهار مرتبه عبارتند از: ادراک حسی، خیالی، عقلی و شهودی. پیش از آنکه به توضیح بیشتر هر یک از این مراتب ادراک و مراحل آن پرداخته شود باید اشاره کرد بر اساس پژوهشهای صورت گرفته پیرامون رابطه مراتب نفس انسان و مراتب هستی بر اساس دیدگاه اسلامی، رابطه معنا داری میان مراتب نفس انسان و مراتب هستی وجود دارد. فارابی و سپس ابن سینا از اولین پیشگامان ذکر این رابطه بودند از منظر آنها حلقه ارتباطی مستحکمی میان قوای درونی

۳- مراتب ادراک انسان و مراحل آن
از آنجا که مساله ادراک همواره یکی از مهمترین مسائل حوزه طراحی محیط، به ویژه معماری بوده و شناخت صحیح از آن نقش به سزایی در بازخوانی فرآیند خلق و ادراک آثار معماری و جهت دهی مناسب به آن در راستای خلق آثار معماری شایسته خواهد داشت. در ادامه به تفصیل مراتب ادراک و مراحل تحقق پذیری آن از دیدگاه حکمت متعالیه توضیح داده می شود.
بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه انسان دارای چهارمرتبه





ادراک کننده، این وجود را که فعل خویش است، به وسیله قوه ی فاعله ی ادراکی خویش آفریده است. این قوه ی ادراکی درحقیقت چیزی جز خود نفس در مرتبه ی فعل و تاثیر نیست. (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ۳۱۲)

۳-۱- مرتبه ادراک حسی

احساس اولین مرحله پیدایش ادراک است و حواس ظاهری و حواس باطنی از قوای ادراک حسی نفس اند. از نظر صدرالمآلهین حواس ظاهری قوایی هستند که امور خارجی را درک میکنند. انواع حواس ظاهری عبارتند از حس بینایی، حس لامسه؛ حس چشایی، حس بویایی و حس شنوایی. (همان، ۱۳۷۸، ۱۶۹). ملاصدرا مرتبه ای از نفس را که نفس در این مرتبه تنها حساس به حواس ظاهری است با عنوان "نفس حساس" نامبرده است (همان، ۱۳۶۱، ۲۳۵)

باید اشاره کرد حواس باطنی نقش مهمی در فرآیند ادراک حسی و خیالی داشته و هرکدام از آنها وظیفه ای مشخص در این فرآیند بر عهده دارند. (رک: جدول ۱) این حواس نه تنها در ادراک بلکه در افعال و آفرینش های انسانی نیز نقش مهمی بر عهده دارند. که در ادامه مبسوط به آنها پرداخته خواهد شد.

مراحل ادراک حسی به این ترتیب است. مرحله اول: انعکاس واقعیت های خارجی^۱ به وسیله حواس پنجگانه است مانند تاثیر و انعکاس تصویر بر روی فیلم عکاسی. مرحله دوم، نوبت نفس انسان است که از این تصاویر و رمزها علم بدست بیاورد (توسط حس مشترک) و مرحله سوم، مرحله مهم و عمده ادراک است که نفس پس از توجه و علم حضوری به محصول حواس خود و آگاهی از صورتهای انطباعی در آن حواس، و با خلاقیت خود، از روی آن، صورت ذهنی عین خارجی را بازسازی می کند. (ارشاد ریاحی، ۱۳۹۰، ۱۳)

نفس دارای قدرت خلاقیت است و با این خلاقیت که ذاتی اوست می تواند هر صورتی را بسازد و به آن نوعی وجود ببخشد که به آن "وجود ذهنی" می گویند. (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ب، ۳۱ و ۳۲) ملاصدرا به مناسبت هایی انسان را برای داشتن قدرت خلاقیت، به خداوند تشبیه می کند. (ارشاد ریاحی، ۱۳۹۰، ۱۵)

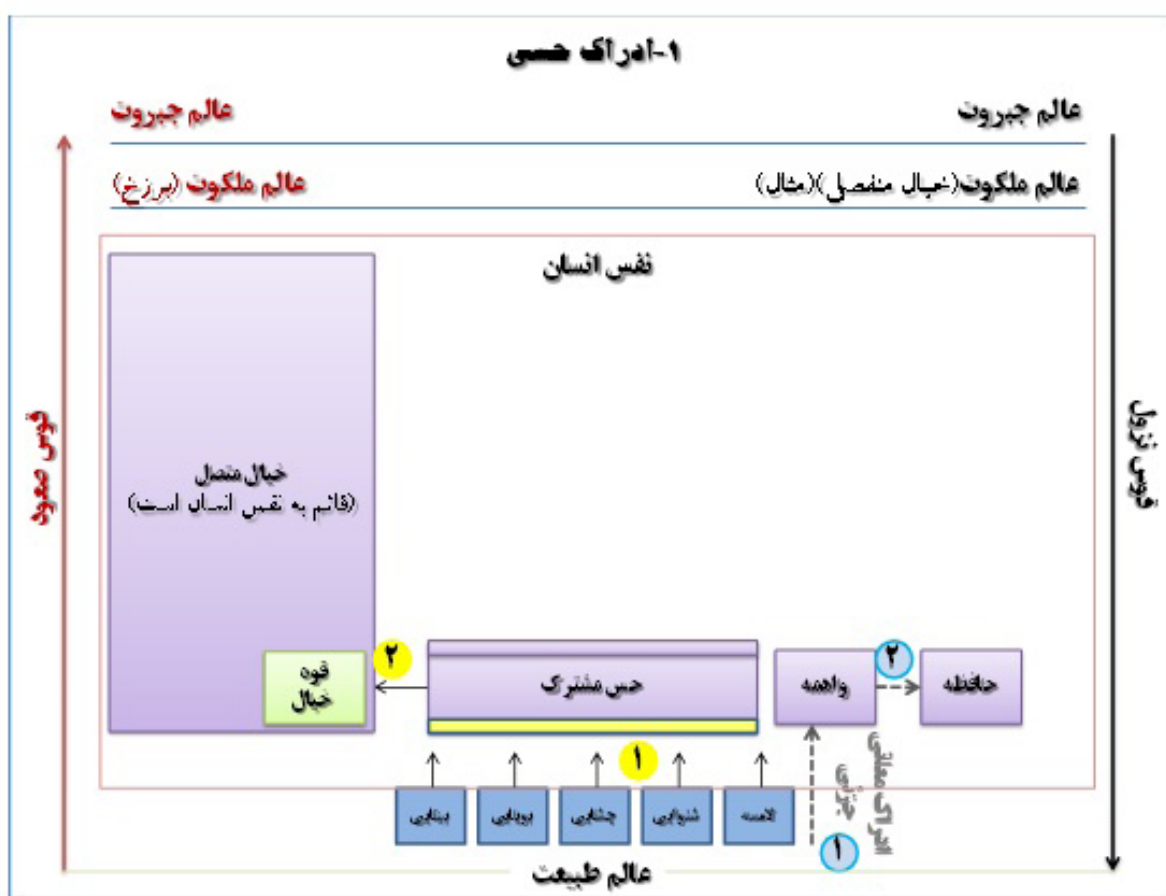
انسان و مراتب عالم هستی وجود دارد. (بلخاری، ۱۳۸۴، ۶۸) بعد از آنها ملاصدرا به تبیین دقیق تر این رابطه می پردازد. از نظر او بحث درباره عوالم بحث درباره علم و ادراک است. کلمه عوالم از ریشه علم گرفته شده است. وی بازگشت علم را به وجود آن تعلق دارد شناخته می شود و موضوع مراتب ادراک را نمی توان از موضوع مراتب وجود جدا دانست. بنابراین به عقیده ملاصدرا سه مرتبه اصلی ادراک (حسی، خیالی و عقلی)، دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی اند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق می شوند. نفس انسانی هنگامی که به یکی از موجودات خارجی می رسد، به سبب شفافیت و تجردی که نفس دارد، صورتهای عقلی، خیالی و حسی حاصل میشود؛ همانگونه که نقش این اشیاء درآینه منعکس میشود با این تفاوت که نقشی که درآینه پیدا میشود، نوعی قبول و پذیرش است، درحالی که آنچه برای نفس حاصل میشود، نوعی فعل و ایجاد است یعنی نفس، نسبت به صورت پذیرنده نیست، بلکه سازنده و آفریننده نیز هست. بنابراین، علم و معرفت، نوعی تحول و تکامل نفس است. در این تحول و تکامل، نفس باهراندیشه ای که می یابد، وجودی تازه پیدامیکند. (ارشاد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰، ۱۱) به عبارتی درک با فعلیت قوای نفس آغاز می شود و چه بسا فعلیت قوا همان درک باشد منابع معرفت بشر، قوای نفس او هستند که این قوا با پای گذاشتن بشر در این عالم به فعلیت رسیده، معرفت تولید می کنند. (شریف زاده، ۱۳۸۴، ۳۲)

ملاصدرا بر اساس نظریه ی "اتحاد عقل و عاقل و معقول" معتقد است در معرفت، قوه یا دراک کننده و شیء ادراک شونده، مستقل از یکدیگر نیستند و نمی توانند باشند. در هر عمل ادراکی حادثه ای که اتفاق می افتد این است که وجودی پدید می آید که فعل نفس است. این وجود در همان حال که نوعی وجود شیء ادراک شونده است در ظرف ادراک است، نوعی وجود برای نفس ادراک کننده است. نفس



عینی با حواس ظاهری، حس مشترک از آنها عکس برداری کرده، صورتی متناسب با آن می‌گیرد و در خزانه خیال نگه می‌دارد. به عبارتی "باخلاقیت خود، از روی آن، صورت ذهنی عین خارجی را بازسازی می‌کند" (ملاصدرا ۱۳۸۳، ب، ۳۲) بدین سان، انسان و حیوان با مراجعه به خزانه خیال، از راه حس مشترک می‌تواند محسوساتی را که تاکنون کسب کرده است، ادراک کند؛ چنان‌که در خواب می‌تواند همان محسوسات را به خاطر آورند؛ برخی از خواب‌ها و رؤیایها درک و یادآوری همان محسوسات گذشته است.

حس مشترک، که یکی از حواس باطنی است، صورتی را که حواس ظاهری به ادراک آنها نایل می‌شوند، درک می‌کند. بدین‌روی، «حس مشترک» ظرف ادراکات حواس ظاهری است و همچون خزینه‌ای است که این پنج نهر به سوی آن جریان دارد. آنچه از طریق حواس ظاهری درباره رنگ یک جسم، شکل، طعم، بو و مزه آن درک می‌شود به حس مشترک رسیده، این قوه همه را مجموعاً در مورد یک جسم درک خواهد کرد؛ هم‌رنگ آن را، هم حجم آن را و هم مزه و طعم یا بوی آن را. پس از ادراک محسوسات



شکل (۱-۱) نمودار ۲: مراحل ادراک نفس در مرتبه ادراک حسی (منبع: نگارنده ۱۳۹۳، ۱۱۱)

یزید. معانی جزئی، که با واهمه درک می‌شوند، در مخزنی به نام حافظه، حفظ و نگه‌داری می‌گردند. به عبارتی "وهم عبارت است از نوعی ادراک عقلی که به یک امر جزئی منسوب و مستند شده باشد." (دینانی ۱۳۶۶، ۳۶۵)

همانگونه که در جدول ۱ اشاره شد قوه واهمه نیز یکی دیگر از حواس باطنی است، معانی جزئی را درک می‌کند. معانی جزئی اموری هستند که در ذهن، در قالب شکل و صورت منعکس نمی‌شوند؛ همچون محبت به مادر و یا فرزند و تنفر خاص از



۳-۲- مرتبه ادراک خیالی

برای بررسی ادراک خیالی در انسان و مراحل تحقق آن نیاز است به تمایز تعاریف صورتهای خیالی - قوه خیال و خیال متصل در حکمت متعالیه توجه شود.

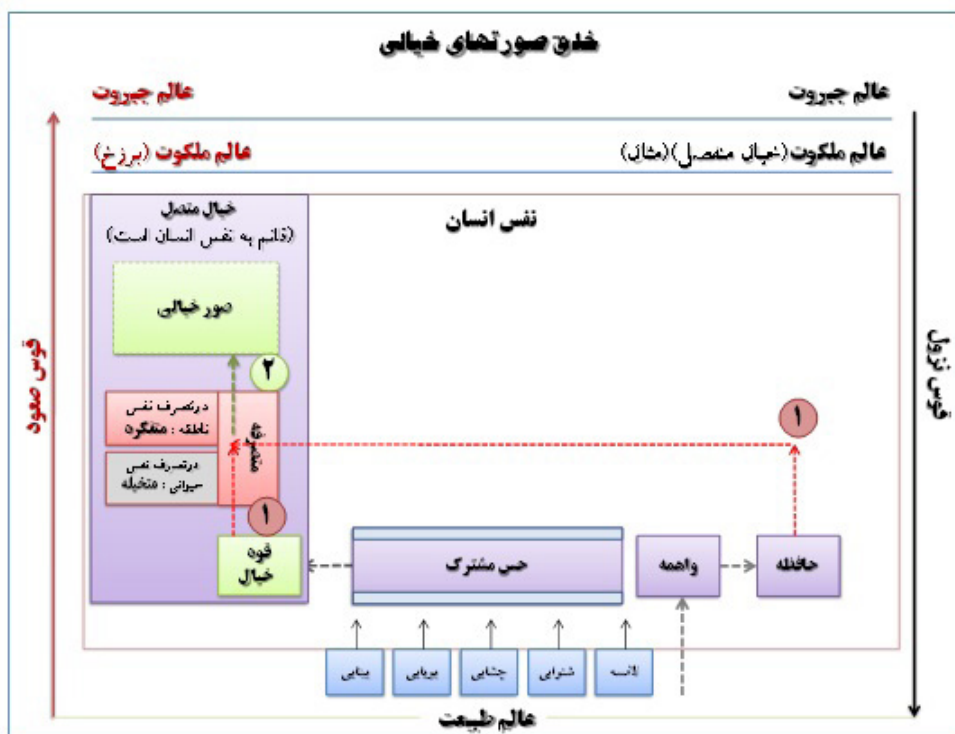
"قوه خیال" خزانه صور و نگه دارنده آنهاست. ملاصدرا "قوه خیال" را مجرد می داند به مجرد برزخی و جمیع "صور خیالیه" را در موطن و سقع نفس می داند. این صور معلول نفس و لذا در خیال متصل ما قرار دارند، نه در خیال منفصل. (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ۳۰۳) "خیال متصل" یا عالم مثال صعودی، بعکس خیال منفصل، قائم به نفوس جزئیه بوده و پیوسته در متخیله افراد آدمی ظهور می پذیرد (همان، ۱۹۸۱، ج ۱، ۱۳۰). بنابراین این انسان در این دنیا و آخرت هر چه را می بیند در ذات خود و عالم خود می بیند (همان، ۱۳۷۵، ۲۴۴). و قوه خیال باقی به بقای نفس پس از مفارقت از بدن است. (رحیم پور، ۱۳۸۵، ۱۳۲) ملاصدرا در تعریف ادراک خیالی می گوید: خیال عبارت است از صورتی که در نفس - پس از پنهان گردیدن شیء محسوس - باقی می ماند، خواه در خواب باشد و خواه در بیداری. و هر اندازه نیروی خیال توانا تر باشد صورتهای آن تناورتر خواهد بود. و هر قدر نفس از نیروهای بدن دوری جوید، صورتهای خیالی، کامل تر جلوه گری میکند. (ارشد ریاحی و

واسعی، ۱۳۹۰، ۱۸)

۳-۱- خلق صور خیالی

همانطور که در نمودار (۳) نشان داده شده است، قوه متصرفه می تواند قوه حافظه و خیال را به استخدام خود در آورده، در صور و معانی جزئی موجود در آنها تصرف کند و به تجزیه و تحلیل یا ترکیب آنها بپردازد. بدین سان، متصرفه با اشراف بر خزانه صور و معانی، از راه تجزیه و تحلیل آنها، صورتهای نوینی می آفریند و حس مشترک را در معرض مشاهده و درک آنها قرار می دهد. بدین سان، عقل و وهم با به کارگیری قوه متصرفه، به حجم گسترده ای از صور و معانی دست می یابند. (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ۳۰۳) از: حسین زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۸-۶۵) اگر قوه متصرفه را واهمه یا نفس حیوانی به کار گیرد و در صور و معانی جزئی تصرف کند، «متخیله» نامیده می شود و اگر در استخدام عقل و نفس ناطقه قرار گیرد و عقل به کمک آنها به تعریف و استدلال بپردازد، «متفکره» نام دارد.

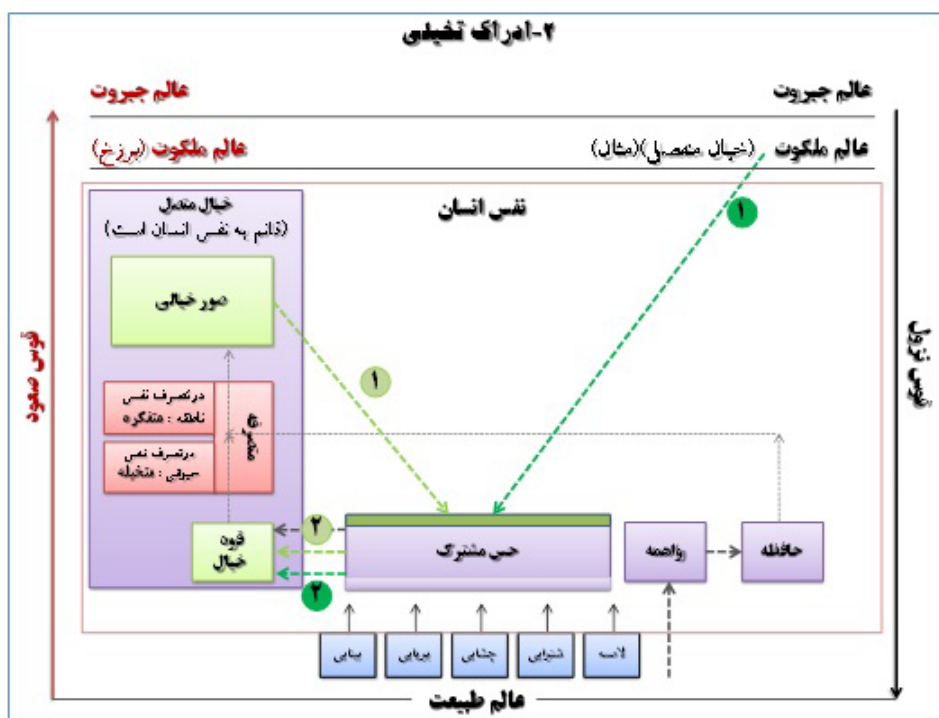
در برخی پژوهشها اشاره شده انسان با قوه خیال خود میتواند حتی بدون الگوبرداری از داده های حواس نیز صورت هایی خلق کند که از هر جهت شبیه آفرینش ابداعی (خلق از عدم) خداوند باشد (ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰، ۱۷)



شکل (۱-۲) نمودار ۳: مراحل خلق صورتهای خیالی در خیال متصل (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳، ۱۱۳)

دارند و انسان در صورت ارتباط با آن عالم، به درک برخی از حقایق و صور موجود در آن نایل می‌گردد. نفس انسان و حس مشترک ذووجهین است: وجهی به سوی عالم شهادت و جهان محسوس دارد، و وجهی به سوی جهان غیب و معنا. معمولا در حال بیداری، متوجه عالم شهادت و جهان محسوس است.^۱ (ملاصدرا، ۱۴۱۰، ج ۸، ۲۰۵ و ۲۲۶ و ج ۹، ۱۹۱) (به نقل از: حسین‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۸-۶۵) (ر.ک. نمودار ۴)

گستره کارکرد حس مشترک و مدرکات آن از آنچه گفته شد فراتر است؛ چنان که حکما و عرفا خاطر نشان کرده‌اند: برخی از صور حسی، اعم از دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها و مانند آنها، در نفوس صاحبان کشف، بلکه انبیا و اولیای معصوم ، و در حس مشترک آنها مرتسم می‌گردند. این صور و معانی یا حقایقی مجردند که از عالم بالا نزول کرده، پس از پوشیدن لباس صورت، در حس مشترک آنها مرتسم می‌گردند، یا صوری عینی هستند که در مثال منفصل وجود



شکل (۳-۱) نمودار ۴: مراحل ادراک نفس در مرتبه ادراک خیالی (منبع: نگارنده، ۱۳۹۳، ۱۱۴)

امور جسمانی یا صور دریافتی از عالم مثال به نحو صدوری به ایجاد صور خیالی می‌پردازد.

۳-۳ مرتبه ادراک عقلی

تعقل، ادراک شیء است به لحاظ حقیقت و ماهیتش بدون اینکه چیز دیگری در نظر گرفته شود و دیگر نیازی به حضور ماده مدرک و آلت و وسیله ادراک نیست. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱، ۳۶۲-۳۶۰) شرط ادراک عقلی شیء خارجی این است که حقیقت آن شیء را از گونه وجود جسمانی به گونه‌ی وجود عقلی مجرد نماید (همان، ۱۴۱۰، ج ۹، ۹۵) پس نفس هنگام ادراک معقولات

بنابراین در نظر ملاصدرا صورتهای خیالی بر دو گونه اند: اول صورتهایی که بدون استفاده از محفوظات ذهن و حافظه، از طریق انعکاس حقایق ماوراء حس درآینه نفس انسانی و یابه صورت هماهنگی نفس انسان (عالم صغیر) با انسان کبیر دریافت میشود. دوم صورتهایی که بوسیله قوه‌ی متصوره انسان، کارگردانی و با ترکیب ماهرانه از چند صورت از صورتهای بایگانی شده در ذهن، صورتهایی جدید می‌سازد مانند اسب بالدار و کوه طلا. (ارشد ریاحی و واسعی، ۱۳۹۰، ۱۹) لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که در ادراک خیالی نفس انسان با استفاده از صور برگرفته از





خیالیه، از این رو التفات آنها به تحصیل علوم عقلیه بسیار کم است به خلاف مقربین و کاملین در علوم که پیوسته در حال ریاضتهای علمیه اند و اهتمامشان به تحصیل آداب عملی و امور خیالی و وهمی ضعیف است (ارشد ریاحی و واسعی ۱۳۹۰، ۴۳) به این ترتیب خداوند متعال به نفس قدرت خلاقیت داده و وی را قادر فرموده است که طبق موجودات خارجی و عینی در صقع خودش موجوداتی را ایجاد کند و نفس هم در دو مرتبه می تواند ایجاد صورت کند.

در ادراک حسی، نفس پس از اشراف به محسوسات توسط آلات پنجگانه حسی، صورتی مجرد از ماده، نظیر صورت محسوس، در ذات خودش ایجاد و انشاء می کند و آن صورت مجرده، حقیقت ادراک و علم و احساس نفس است و تطابق این ادراک با عالم طبیعت به همین دلیل است که نفس به وسیله حواس پنجگانه ظاهری خود که روزنه های ورود به عالم محسوسات است، صورت محسوس را مطابق با اشیاء خارجی که در عالم طبیعت می باشد، در صقع ذات خود ایجاد می کند.

در ادراک خیالی نیز نفس توسط قوه خیال خود، صور خیالی را در عالم خود، - خیال متصل - انشاء و ایجاد می کند. قوه خیال به علت ویژگی خاص خود - که جوهری است مجرد از اجسام و اعراض این عالم - با عالم مثال یا خیال منفصل تطابق دارد. در مورد ادراکات عقلی باید گفت: قوه عقل انسان که کلیات را ادراک میکند به علت خاصیت مجرد تام بودنش، در وی این قوه و استعداد است که موجودات عقلی را در عقل فعال مشاهده نماید و با عالم عقول اتصال و بلکه اتحاد یابد. (همان ۱۳۹۰، ۴۴)

البته ادراک و یادگیری در انسان های برگزیده به دو صورت دیگر نیز محقق می شود. که عبارتند از ادراک از طریق کشف و شهود، که عمدتاً حاصل کوشش انسان است (عامل درونی) و دیگری ادراک و یادگیری از طریق الهام و علم لدنی است که نتیجه افاضه الهی است (عامل بیرونی) و نتیجه این نوع ادراکات کسب معرفت (حکمت) است. (تقوی و همکاران ۱۳۸۸، ۱۴۱)

۳-۴ ادراک از طریق کشف و شهود

نفس در مرتبه روح قدسی (از مراتب نفس ناطقه است)، در مرتبه کمال ادراک عقلی، که به آن ادراک شهودی گفته می شود، می تواند بدون هیچ وسیله ای، علم حضوری حاصل و نفس از معلوماتی بهره مند شوند. کشف در لغت به معنی «آشکار ساختن

کلی، ذوات نوری و موجودات عقلی را که مجردند مشاهده می کند ولی نه به تجرید نفس و انتزاع صورت عقلی آنها از افراد خارجی محسوس، بلکه به واسطه انتقال و مسافرت نفس از عالم محسوس به عالم متخیل، و از عالم متخیل به عالم معقول و ارتحال از عالم دنیا به عالم آخرت و سپس ارتحال از هردو عالم حسی و عقلی به عالمی ماورای حس و عقل یعنی عالم ربوبی. (همان ۱۹۸۱، ج ۱، ۲۸۹)

باید توجه داشت مدرک جمیع ادراکات و فاعل جمیع افعال در انسان، نفس ناطقه است که به واسطه سعه وجودیش، در آن واحد هم به مرتبه ی حواس نزول میکند و هم به مرتبه ی عقل مستفاد و عقل بالفعل صعود می نماید، نفس به اعتبار هر قوه ای از قوای ادراکی اش (از عقل، خیال و حس)، در عالمی از عوالم واقع میشود. پس به اعتبار ادراک معقولات کلی در عالم معقول کلی می باشد که فوق همه عوالم است و به لحاظ ادراک محسوسات در عالم اجرام و مواد قرار می گیرد که در تحت همه عوالم است و به اعتبار ادراک مثل خیالیه در عالمی واقع میشود که میان آن دو عالم است. نکته مهم آن است که اهل هر عالمی موجودات آن عالم را به نحو مشاهده درک میکنند و صوری را که در دو عالم دیگر است، به صورت حکایت و خبر از اموری که از حواس غایبند. پس شهادت هر عالمی غیب عالم دیگر است.

ملاک عینی و یا ذهنی بودن صور ادراکی این است که هرگاه انسان با قوای ادراکی خود، صورتی از صور همان عالمی را که در آن واقع است، ادراک نماید، آن ادراک به نحو مشاهده خواهد بود و بر وجود آن یقین دارد و حکم می کند که آن موجود عینی و واقعی است و از آن لذت یا الم می برد، زیرا که در نحوه ی وجود با آن مناسبت دارد. ولی اگر صورتی را ادراک نماید که از صور عالمی باشد که هنوز در آن عالم واقع نشده است، ادراکش به طور ذهنی خواهد بود و وثوق به آن نخواهد داشت و بر اینکه این موجود ذهنی و غیبی است، نه عینی و خارجی حکم میکند

بنابراین آن چه را که انسان در خواب می بیند و هر آن چه که برای او به وسیله ی قوه ی خیالیه او، در عالمی متوسط میان این دو عالم متمثل میشود، غیر واقعی میدانند با آن که آنها در وجود، شدیدتر و قویترند و چون نفوس اکثر مردم تازمانی که در این عالم اند، اشتغالشان به حواس بیشتر است و اهتمامشان به بدن که محل حواس است، شدیدتر است از توجه شان به قوه ی عاقله و



اما دیدگاه عرفای اسلامی از این نظر جداست و اعتقاد دارند که حواس، عقل و شهود، هر کدام در محدودی خود می توانند انسان را در برابر برخی شناختها قرار دهند. (مطهری ۱۳۶۸، ۵۳-۵۴). بنابراین آنچه گفته شد: نفس آدمی توان ادراک تمام مراتب هستی را دارد و سه مرتبه اصلی ادراک دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی اند منطبق می شوند. اما عواملی می تواند مانع اتصال انسان به مراتب مافوق طبیعت شود. به همین خاطر خالق هستی در کنار قوای ادراکی انسان، قوای دیگری نیز در نفس او با نام عقل عملی قرار داده است. عقل نظری مسبب ایجاد معرفت و علم است و عقل عملی چگونگی عمل به معلومات و معرفتها را زمینه سازی می کند و این دو مکمل هم هستند زیرا علم باید با عمل همراه باشد. و انسان باید به دنبال ایمان و عمل صالح باشد.

۴- عقل عملی

عقل عملی کارفرمای بدن جسمانی است و انسان در راستای رسیدن به کمال باید مراتبی را با سیر حرکت معنوی طی نماید تا به اوج قله انسانیت نایل گردد.

یا پیدا کردن» (عمید ۱۳۷۶) و در اصطلاح عرفا به معنی «اطلاع بر ماورای حجاب» است (سجادی ۱۳۷۹). شهود، جمع شاهد نیز به معنی «گواه حاضر و ناظر» (رضایی ۱۳۶۰) و «گواهی دهنده یا کسی که امری یا واقعه‌ای را به چشم خود دیده باشد و گواهی بدهد» (عمید ۱۳۷۶) و در اصطلاح به معنی «رؤیت حق به حق» (سجادی، ۱۳۷۹).^۹ (تقوی و همکاران ۱۳۸۸، ۱۴۸)

بر اساس مبانی حکمت اسلامی به میزانی که قلب انسان صیقلی یافته و منزّه باشد، به همان نسبت واقعیت‌های جهان در آن نقش می بندد. بنابراین، یکی از راههای درک حقیقت، تهذیب نفس است. تهذیب نفس، حجاب‌های موجود در مسیر انسان را از بین می برد و انسان تهذیب یافته را قادر می سازد تا واقعیت هستی را بی پرده و بدون واسطه شهود نماید؛ به عبارت دیگر، پس از برطرف شدن حجاب‌ها، واقعیات آن گونه که هستند، نه آن گونه که ما آنها را درک می کنیم، برای انسان مجاهده گر با نفس، جلوه گر می شود.

گروهی از عرفای غربی و شرقی، تنها راه کسب دانش را به صورت افراطی، تزکیه نفس و مجاهده‌ی با نفس دانسته اند؛

جدول ۲: ظرفیتهای عقل عملی و مراتب استکمالی نفس متناظر با آن براساس دیدگاه اسلامی (منبع: نگارنده ۱۳۹۳، ۹۳)

نوع عقل	مراتب استکمالی نفس بر حسب عقل عملی		نتیجه
عقل عملی	تجلیه	بکاربردن قوانین الهی و احکام شرعی پیامبر(ص) و اجرای دستورات دینی و تسلیم شدن در مقابل اوامر دین و امتناع از نواهی آن	(تهذیب نفس)
	تخلیه	پاک کردن باطن و تطهیر قلب از اخلاق زشت و ناپسند	(تهذیب باطن)
	تحلیه	نورانی شدن نفس با دانش ها و صفات خدا پسند و آراسته شدن به صفات پسندیده روحانی به خاطر ایجاد ملکه اتصال به این صفات.	(آراستن باطن)
عقل عملی	فنا فی افعالی	انسان آنچه انجام میدهد از خود ندانسته بلکه از آن خدا می داند.	غنا در فقر تنعم در سختی
	فنا فی صفاتی	فنا فی صفات خویش (صفات زشت) و جایگزینی صفات الهی	عزت در ذلت صبر در بیلا
	فنا فی ذاتی	این مرتبه عالی ترین مرتبه فناست خویش را نمی بیند چیزی از او باقی نمانده است. آنکه می بیند خداست. آنکه می شنود خداست و آنکه سخن می گوید خداست و...	بقا در فنا رسیدن به مقام رضایت و تسلیم (برگرفته از حدیث امام علی(ع) درباره مراتب نفس، قوا و نتایج آن) (حسن زاده ۱۳۷۷، ۸۲۴)

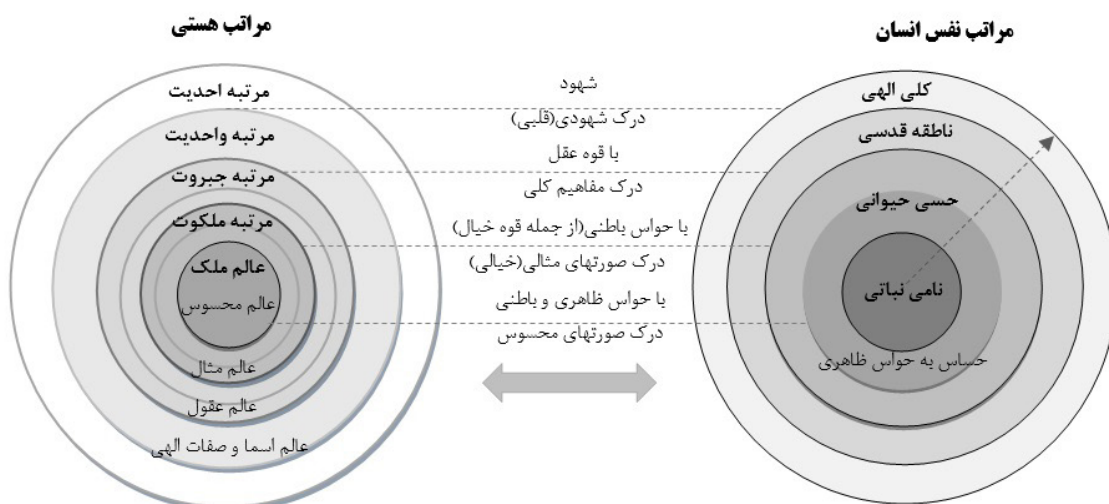
حکم عقل نظری، فعل از عقل عملی صادر می‌شود. پس در استنباط، ادراک‌کننده عقل نظری است، لکن فعل از عقل عملی با استناد به این حکم صادر می‌شود.

۵- مدل تعامل انسان با محیط از منظر دیدگاه اسلامی

با توجه به تعریف انسان، مراتب نفس و قوای او، مراتب ادراکی انسان و مراتب هستی، در دیدگاه حکمت متعالیه می‌توان مدل تعامل انسان با هستی (محیط پیرامون) را به صورت نمودار (۵) تبیین نمود. این نمودار بر پایه این اصل که: خداوند ظاهر است و بر کل هستی احاطه دارد ترسیم شده است.

بنابراین کمال انسان (هنرمند) در گرو تکمیل و ترقی دو قوه عقل نظری و عملی است و وقتی این دو به فعلیت برسند انسان نیز بالفعل می‌شود و به مقام انسان کامل (خلیفه الله) می‌رسد. ادراکات انسان جمیع حقایق هستی می‌شود و اعمال و کردار او همه برای رضای خداست و انسان خود را فانی و خداوند را باقی می‌داند.

عقل نظری مدرک احکام حکمت نظری است و عقل عملی مدرک احکام حکمت عملی^{۱۰} (طوسی ۱۳۷۵، ج ۲، ۳۵۴) و منشأ ادراک انسان عقل نظری و منشا اخلاق و رفتار او عقل عملی است. از آنجایی که عمل انسان عاقل، بدون علم نمی‌شود عقل نظری به کمک عقل عملی آمده و با



نمودار ۵: مدل تعامل مراتب نفس انسان و مراتب هستی (عوالم هستی) (منبع: نگارنده ۱۳۹۳، ۱۲۱)

کامل (خلیفه الله) و محیط بر عوالم هستی اگر انسان، طی حرکت جوهری به مرتبه انسان کامل برسد حداکثر تعامل و حشر و نشر را با محیط خواهد داشت و می‌تواند با تلاش خود به مقام فنا فی الله که بالاترین مرتبه وجود است نایل گردد.

۵-۱ خزانه معنا و صورت در نفس معمار

بنابراین چه گفته شد هر انسانی متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش سطحی از تعامل با عوالم هستی برقرار می‌نماید و به سبب آن و بواسطه قوای ادراکی خود مجموعه ای از معانی و صورتهای در نفس خویش ذخیره می‌نماید. از آنجا

بر اساس این دیدگاه، انسان مختار است که سطح رابطه ی خود را با محیط تعیین کند. در این دیدگاه به طور کلی چند سطح رابطه تعریف می‌شود که آنها به صورت خلاصه در تعاریف زیر و به صورت مبسوط در جدول (۳) آورده شده است.

- ارتباط حداقلی بین انسان و محیط: انسان بالقوه و محاط در عالم ملک (طبیعت)
- ارتباط متوسط بین انسان و محیط: انسان در حال شدن و در ارتباط با عالم ملک (طبیعت) و عالم خیال متصل و گاهی خیال منفصل (ملکوت اسفل)
- ارتباط حداکثری بین انسان و محیط: انسان بالفعل: انسان

خزانه معنا و صورت در معمار و رابطه آن با مرتبه نفس و سطح تعامل او با هستی، بر اساس طبقه بندی و تحلیل داده های حاصل از مطالعات صورت گرفته، با تکنیک تحلیل محتوای کیفی (ر.ک: تقدیر ۱۳۹۳، ۱۸۹) جدول ۳ تنظیم شده است.

که در آفرینش هر اثر هنری، نفس ناطقه انسان متناسب با مرتبه وجودی خود قوه متصرفه را در اختیار قرار گرفته و با مراجعه به خزانه صورت و معنا به خلق اثر می پردازد. بررسی کیفیت محتوای این خزانه از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا در راستای شناختی دقیق نسبت به نحوه شکل گیری محتوای

جدول ۳: رابطه محتوای خزانه معنا و صورت با مرتبه نفس معمار، ابزار ادراکی و سطح تعامل او با هستی براساس مبانی حکمت متعالیه

سطح تعامل معمار و هستی	ویژگیهای عالم متناظر	حدودعالم متناظر	مرتبه ادراکی	ابزار ادراکی	محتوای خزانه صورت متناظر با مرتبه ادراک	محتوای خزانه معنا متناظر با مرتبه ادراک
انسان در ارتباط با عالم طبیعت	آخرین مرتبه نزول است. خصوصیت اشیای طبیعی: داشتن زمان، مکان، حرکت تدریجی و ابعاد و اندازه معلوم و معین	حدو مرز این عالم جسمانی از طرف مافوق، فلک مستقیم یعنی فلک نهم و به اصطلاح، فلک الافلاک میباشد،	ادراک حسی	حواس پنج گانه ظاهری و حواس باطنی	صوردریافت شده مطابق با اشیاء خارجی که درعالم طبیعت است	معانی دریافت شده از عالم طبیعت تا مرز فلک الافلاک
انسان در ارتباط با عالم خیال متصل، و گاهی خیال منفصل (عالم مثال) متناسب با مرتبه وجودی نفس خویش	عالم مثال به لحاظ داشتن مقدار، شبیه جوهر جسمانی و به دلیل نورانیت شبیه جوهر مجرد عقلانی است. دارای زمان و مکان و حرکت مشخص خود است و آن را اجسام و الوان و اشکالی است واقعی لکن غیر از اجسام این عالم خاکی..	عالم مثال واسطه میان عالم جبروت و عالم طبیعت (ملک) است عالمی است که در آن دو جهان طبیعت و ملک، و جهان عقل و ملکوت به یکدیگر تبدیل و تبدیل می یابند	ادراک خیالی	حواس باطنی	صورت های اشیاء خیالی خلق شده توسط قوه متصرفه نفس و صورتهای اشیاء عالم مثال	- معانی اشیاء خلق شده توسط قوه متصرفه نفس و معانی دریافت شده از عالم مثال (خیال منفصل)
انسان در ارتباط با عالم جبروت (عقول مجرد)، متناسب با مرتبه وجودی اش	این عالم جنبه ی الهی و باطنی عوالم پایین تر است. به عبارتی مرتبه ای از مراتب معنایی اشیاء است، که تماماً از عالم ماده مجرد می باشد (مجرد به مجرد تام) این عالم و آنچه ما فوق آن است ماوراء هرگونه شکل و صورت و مظاهر صوری است	در سیر آفرینش پس از مرتبه اسما و صفات الهی، مرتبه عقول مجرد جای دارد. این مرتبه مخزن همه اشیایی است که از آن نازل می شوند و از تبدیل و تغییر مصون بوده و حقیقت همه امور در آن محفوظ است	ادراک عقلی	عقل	فاقد صورت	معانی دریافت شده از عالم جبروت
انسان کامل در ارتباط با مافوق عالم جبروت (اعلی علیین)	این عالم (مرتبه واحدیت) حاصل ظهور ذاتی حق تعالی در کسوت اسما صفاتی می باشد (که عرفا به آن حضرت علمیه یا اعیان ثابته نیز گفته اند) و مرتبط با تقدیر استعدادها و مقدرات اعیان خارجی است	صور علمی اشیا که از ازل در علم الهی ثبت شده اند (اعیان ثابته) و بواسطه آنها اشیا تحقق خارجی و عینی پیدا می کنند.	ادراک شهودی	قلب	فاقد صورت	دریافت معانی و مفاهیم متعالی (حقیقت اسما و صفات الهی)



با مرتبه نفس انسان و غنای خزانه صورت و معنا در او انجام می گیرد و این امر زمینه ساز کیفیات مختلف در آثار خلق شده هنری و معماری می گردد. در یک طبقه بندی اجمالی می توان چگونگی خلق آثار معماری را با توجه به توانمندیهای انسان هنرمند در دو سطح کلی به صورت زیر تقسیم نمود:

سطح ۱: در این سطح هنرمند در آفرینش خود تنها به بازنمایی معانی و صورتهای دریافت شده که در خزانه نفس خود دارد می پردازد.

سطح ۲: در این مرتبه هنرمند با جستجو و ترکیب داده های موجود در خزانه صورت و معنا اقدام به خلق می نماید. در هر دو سطح آنچه سبب کیفیت متفاوت در همان سطح از خلقت می شود کیفیت تعامل انسان هنرمند با عوالم هستی (محیط) و در نتیجه محتوای اثر خلق شده است. باید توجه داشت در هر دو سطح امکان نوآوری وجود دارد اما به گفته پژوهشگران "خلاقیت و نوآوری در کار هنرمندان بیشتر در سطح دوم محقق می شود و باعث می شود آثار خلق شده صورتهایی داشته باشند که برای همگان آشنا نیست." (ر.ک: نامور مطلق ۱۳۸۴، ۲۰۸)

نکته تاثیرگذار دیگر بر کیفیت آثار معماری مربوط به حوزه استعدادهای ذاتی انسانهاست، به گفته ملاصدرا انسانها از قوا و توان های متفاوتی برخوردارند. در نظریه حکمت متعالیه او به طور کلی مراتب قوه را جهت کم و کیف متفاوت دانسته است. از نظر وی قوه گاهی به فعل نزدیک بوده که در این مورد آن را استعداد می نامند (ملاصدرا ۱۳۸۳ الف، ۱۳۶)، و گاهی از آن دور است. بنابراین وی در مورد انسانها نیز قائل به تفاوت قوای نفسانی یا همان استعدادهای ذاتی است. برای مثال وی، مراتب قوای علمی را به ترتیب فکر، حدس و قوه قدسی دانسته، و معتقد است این قوا از جهت دوری و نزدیکی به فعل (امکان بالفعل شدن) درباره افراد گوناگون متفاوت اند. در برخی این قوا خاموش و بی فروغ است، و در برخی دیگر فروزان و برافروخته. (حسن زاده آملی ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۹)

لذا انسان علاقمند به تحصیل در حوزه معماری و سایر رشته های هنری باید تعدادی از قوا و استعدادها مرتباً

بنابر اطلاعات بدست آمده می توان گفت اگر ظرفیت حداکثری در خزانه معنا و صورت محقق شود بر این اساس خزانه معنا حداکثر دارای چهار سطح کیفیت و خزانه صورت حداکثر دارای سه سطح کیفیت خواهد بود. (نمودار ۶) لازم به تذکر است زمانی که معمار تعامل مناسبی با عوالم هستی نداشته و تعامل خود را به عالم طبیعت (ملک) محدود نماید و تنها با آن در تعامل باشد این خزانه از حداقل ظرفیت خود برخوردار خواهد بود.



شکل (۱-۱) نمودار معرفی سطوح کیفیت در خزانه معنا و صورت بر اساس مبانی حکمت متعالیه

همانطور که پیشتر اشاره شد قوه متصرفه انسان می تواند قوه حافظه و خیال را به استخدام خود درآورده، در معانی و صور جزئی موجود در آنها تصرف کند و به تجزیه و تحلیل یا ترکیب آنها پردازد. بدین سان، متصرفه با اشراف بر خزانه صور و معانی، از راه تجزیه و تحلیل آنها، صورتهای نوینی می آفریند و حس مشترک را در معرض مشاهده و درک آنها قرار می دهد. بدین سان، عقل یا وهم با به کارگیری قوه متصرفه، به حجم گسترده ای از صور و معانی دست می یابند.

۵-۲ رابطه خزانه معنا و صورت با کیفیت خلق آثار معماری

بر اساس مبانی حکمت متعالیه می توان گفت خلق و آفرینش در حوزه هنر و معماری در سطحی متناسب



نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد ادراکات انسان از عوالم هستی توسط قوای ادراکی او و متناسب با مرتبه نفس او انجام می‌گیرد و در قالب صورت و معنا در خزانه ای که متصل به نفس اوست، و جایگاهی مشخص برای ذخیره معنا و صورت دارد ذخیره می‌گردد و این صورتها و معانی در زمان خلق آثار هنری (اعم از معماری و سایرهنرها) توسط نفس ناطقه انسان، با کمک قوه متصرفه به خدمت گرفته می‌شوند. بنا براین رابطه عمیقی میان مرتبه نفس انسان و به تبع آن مرتبه ادراک او از هستی با کیفیت خلق آثار معماری وجود دارد.

در یک جمع بندی اجمالی می‌توان گفت: کیفیت آثار معماری در دو بخش قابل بررسی است. در بخش یک که حوزه محتوا است، کیفیت تا حد زیادی وابسته به مرتبه نفس معمار و غنای خزانه معنا و صورت در آن است که امری ذاتی بالقوه و اکتسابی تدریجی و بالفعل است و معمار باید از طریق بالفعل سازی قوای ادراکی (حس، خیال و عقل) و ظرفیت های عقل عملی (با تهذیب نفس، تهذیب باطن، تزکیه و...) در ارتقا مرتبه وجودی خویش و دستیابی به معانی و صورتهای ماوراء عالم طبیعت (ملک) همت نماید. اما در بخش دوم که مربوط به آرایه محتوا در قالب آثار هنری و معماری است انسان معمار نیاز به مجموعه ای از استعدادهای ذاتی برای شروع و فراگیری مهارتهای تخصصی برای پیشرفت خود دارد.

را به عنوان بستر و زمینه لازم برای تعلیم و تربیت در این حوزه داشته باشد، شاید بتوان گفت داشتن آنها شرط لازم برای ورود به این حرفه است. به خصوص در بخش آرائه آثار معماری استعدادهای ذاتی افراد نقش به سزایی در فراگیری مهارتها می‌توانند داشته باشند. و این استعدادهای ذاتی و مهارتهای فراگرفته شده هستند که به معمار کمک می‌کنند تا بتواند ایده خود را در قالب صورت مجازی بیان و سپس آن را به صورت محسوس درآورد. به عبارتی ایده را به پدیده تبدیل نمایند.

۶- نتیجه گیری

بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه رابطه معنا داری میان مراتب نفس انسان و عوالم هستی وجود دارد. از منظر ملاصدرا بحث درباره عوالم بحث درباره علم و ادراک است. کلمه عوالم از ریشه علم گرفته شده است. وی بازگشت علم را به وجود آن تعلق دارد شناخته می‌شود و موضوع مراتب ادراک را نمی‌توان از موضوع مراتب وجود جدا دانست. بنابراین به عقیده ملاصدرا سه مرتبه اصلی ادراک (حسی، خیالی و عقلی)، دقیقا بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی اند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق می‌شوند. به همین دلیل انسان ظرفیت تعامل با همه عوالم هستی را داراست.

در یک تعریف مختصر مراتب ادراک انسان عبارتند از: ادراک حسی: ادراک محسوسات از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌گیرد و حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه) و حواس باطنی (حس مشترک، واهمه، خیال، حافظه، متصرفه) زمینه ساز این ادراک اند. ادراک خیالی: ادراک صور خیالی از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌پذیرد. خیال یکی از ادراکات درونی است و حواس باطنی زمینه این درک را فراهم می‌آورند ادراک عقلانی: به اعتبار آن نفس مدرک حقیقی مفاهیم کلی و معقولات به شمار می‌آید. باید گفت این مراتب ادراک (حسی، خیالی، عقلی)، زمینه ساز دریافت علم حصولی اند البته انسان دارای یک مرتبه مهم ادراکی دیگر به نام ادراک قلبی - شهودی نیز هست که ادراک بی واسطه نفس و زمینه ساز علم حضوری است.



پی‌نوشت

۱. Questions of perception

۲. The eyes of the skin: architecture and the senses, ۲۰۰۵

۳. "کمیل می‌گوید: از امیر مومنان (ع) پرسیدم: ای امیر مومنان، می‌خواهم نفس مرا به من بازشناسانی، فرمودند: کدام نفس را خواهی به تو بشناسانم؟ گفتیم: سرور! مگر آدمی را بیش از یک نفس است؟ فرمودند: کمیل نفس آدمی چهار است، نامی نباتی، حسی حیوانی، ناطق قدسی، و کلی الهی. و هر یک از این چهار نفس را، پنج قوه و دو خاصیت است: ۱- اما نامی نباتی را پنج قوه است: ماسکه، جاذبه، هاضمه، دافعه، مربیه و دو خاصیتش زیادت و نقصان است و از کبد سرچشمه همی گیرد. ۲- حسی حیوانی را نیز پنج قوه است: شنوایی، بینایی، بویایی، ذائقه، و بساوایی و دو خاصیتش خرسندی است و خشم و از قلب سرچشمه می‌گیرد. ۳- ناطق قدسی را هم پنج قوه است: اندیشه، بخاطر آوردن، دانش، حلم و هشیاری و این نفس از چیزی سرچشمه نگیرد و بیش از دیگر به نفس فرشتگان شبیه بود و خاصیت هایش عفت و حکمت است. ۴- نفس کلی الهی را این پنج قوه است: بقای در فنا، نعمت یافتن در سختی، عزت یافتن در ذلت و فقر در غنا و صبر در بلا و خواهش و رضایت و تسلیم است. مبداء آن از خداوند است و به او نیز بازمی‌گردد. خداوند فرمود: "و نفخت فیه من روحی" و نیز فرمود: "یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه" (سوره حجر/ ۲۹ و فجر/ ۲۷) و خرد در وسط این چهار است." (شیخ بهایی به نقل از حسن زاده ۱۳۷۷، ۸۲۴)

۴. مراتب نفس از منظر ملاصدرا: صدرا مراتب وجودی نفس را بر اساس تقدم و تاخر در حدوث، به این صورت سامان می‌بخشد:

نفس نباتی: هنگامی که انسان به صورت جنین در رحم مادر قرار دارد، نفس حیوانی: از زمان تولد و حضور در دنیا تا بلوغ صوری و طبیعی، نفس انسانی: نفس از درجه حیوانی و بلوغ طبیعی به بلوغ معنوی و رشد باطنی برسد (حدود ۴۰ سالگی)، انسان ملکی یا انسان شیطانی: اگر توفیق انسان را همراهی کند و مسیر حق را بپیماید و نیز اگر عقل وی با علم کامل شود و خردش با تجرد از اجسام پاک گردد بالفعل به مرتبه انسان ملکی می‌رسد یعنی فرشته‌ای بالفعل از فرشتگان الهی می‌شود و اگر راه ضلالت و جهالت را بپیماید از جمله حیوانات و از گروه اهریمنان می‌شود (ریاحی ۱۳۸۹، ۱۲۷)

۳. با قطع توجه نفس به بدن یا کمتر شدن اشتغال نفس به داده‌های حسی و تدبیر بدن، آینه خیال (حس مشترک) به سمت عالم معنا و صور مجرد قرار می‌گیرد. (حسین زاده ۱۳۸۵، ۱۰۸-۶۵)

۵. حافظه قلمرو گسترده‌ای از ادراکات انسان را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. صورت‌های جزئی؛

۲. معانی جزئی؛

۳. مفاهیم یا صور و معانی کلی، اعم از ماهوی، فلسفی و منطقی و مفاهیم ماهوی، اعم از مفاهیم محسوس، شهودی و مانند آن؛

۴. گزاره‌های حاکی از آن دسته از علوم حضوری که در گذشته اتفاق افتاده‌اند؛ همچون گزاره «من شاد بودم» و «من ترسیدم». می‌توان از طریق حافظه، حالات روانی، درونی و نفسانی خود را به یاد آورد و صدق این گونه امور را از طریق مراجعه به حافظه مشخص کرد.

۶. گزاره‌های حسی؛ به عبارت دیگر، می‌توان آنها را گزاره‌های حاکی از تجربه‌های حسی نامید؛ همچون گزاره «دیروز باران آمد» و «تابستان گذشته در اثر گرمای زیاد، شمعدانی من خشک شد.»

۷. گزاره‌های مبتنی بر اخبار، گواهی و شهادت دیگران؛ مانند «ابن سینا پیش از محقق طوسی می‌زیست.» همه گزاره‌های مربوط به علوم پیشین؛ این گزاره‌ها اعم از علوم ریاضی، منطقی و فلسفی است؛ مانند معادله‌ای که در دوره دبیرستان حل کرده و به خاطر سپرده‌ایم و اکنون نتایج و راه‌حل آن را به یاد می‌آوریم. (حسین زاده ۱۳۸۵، ۱۰۸-۶۵)

۸. facts

۹. باید اذعان کرد که تمایز میان حقایق خیالی و حقایق محسوس یا تمایز میان حقایق خیالی و حقایق که قوه متخیله ساخته و در خزانه، یعنی قوه مصوره یا خیال، انباشته شده، چندان آسان نیست و به معیار نیاز دارد. از این‌روست که عرفا به مسئله ارزیابی مکاشفات توجه بسیاری داشته و برای ارزیابی آنها، معیارهای گوناگونی ارائه کرده‌اند

۱۰. در آثار اندیشمندان غربی نیز، موضوع اشراق در تئوری‌های تفکر مورد توجه واقع شده است. لاب (۲۰۰۶) در مورد اشراق چنین می‌گوید: «اشراق شبیه نیروی جاذبه است. ما نمی‌توانیم آن را ببینیم یا لمس کنیم. اما مطمئن هستیم که وجود دارد. اشراق قدرت دانستن یا درک چیز بدون درنگ است که بدون دلیل و آموختن اتفاق می‌افتد». همچنین اشراق بر طبق تئوری اسمیت، از متقدمان تئوری‌پردازی در این مورد، عبارت است از: «آن درک و تعقل فویر و آئی که بر اساس استنباطات و یا استدلال‌ات منطقی استوار نباشد؛ بنابراین، اشراق در این دیدگاه، یکی از منابع نخستین و اساسی کسب دانش است» (حسینی ۱۳۴۸، ۲۳). بر اساس این تعریف، برخی افراد می‌توانند بدون کوشش زیاد و یا طی مراحل تفکر، که افراد معمولی انجام می‌دهند، در مدت کمی به نتایج مطلوبی برسند. چنین بصیرت و اشراقی مربوط به غنا و وسعت تجارت



فردی است و نمی‌توان آن را ورای مرز و حدود اطلاعات بشری دانست. بر این اساس، می‌توان فرض نمود که بصیرت‌های ناگهانی به مقدار قابل ملاحظه‌ای در متفکران بزرگی، چون انیشتین، کپلر و افرادی از این قبیل وجود دارد. بنابراین، برداشتی که غالب عالمان غربی از مفهوم اشراق دارند، همان مفهوم «بصیرت ناگهانی» است که معمولاً برای افرادی اتفاق می‌افتد که قبلاً در آن حیظه فکر کرده‌اند. در مجموع عالمان غربی برای تبیین مکانیزم کشف و شهود تلاش‌هایی را انجام داده‌اند، اما به دلیل مشکلات پیش‌روی تبیین کشف و شهود، از جمله «عینیت‌ناپذیری» و «بیان حالات و تجربه‌های عرفانی» در قالب کلمات موجود، هنوز به تبیین روشنی از مسئله نرسیده‌اند (ر.ک: تقوی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۴۸).

منابع

- ۱) ابراهیمی دینانی، غلامحسین. ۱۳۶۶. شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی، تهران: انتشارات حکمت.
- ۲) ارشدریاحی، علی و واسعی، صفیه. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب وجود با مراتب ادراک از نظر ملاصدرا، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، سال چهل و سوم، ش ۸۶(۲): ۹-۴۵.
- ۳) ارشدریاحی، علی و اسکندری، حمیدرضا. ۱۳۸۹. مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا. *انسان پژوهی دینی* ۲۴(۷): ۱۳۷-۱۲۵.
- ۴) بلخاری قهپی، حسن. ۱۳۸۴. *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*، (دفتر دوم: کیمیای خیال). تهران: نشر سوره مهر.
- ۵) پالاسما، یوهانی. ۱۳۸۸. *چشمان پوست: معماری ادراکات حسی*، ترجمه رامین قدس. تهران: ناشر گنج هنر-پرهام نقش چاپ اول.
- ۶) تقدیر، سمانه. ۱۳۹۳. *ساختار فرایند خلق و ادراک آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه*، رساله دکتری معماری. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۷) تقوی، سید محمدرضا. حسینی، سید علی اکبر، سلیمی، سیدحسین و ملازاده، جواد. ۱۳۸۸. مقدمه ای بر مفروضات و جایگاه کشف و الهام در فرایند یادگیری از دیدگاه عالمان اسلامی. *تربیت اسلامی*. دوره ۴، ش ۸: ۱۴۱-۱۶۰.
- ۸) حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۸۶. *صد کلمه در معرفت نفس*. قم: نشر قیام.
- ۹) حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۷. *هزار و یک نکته*. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۱۰) حسین زاده، محمد. ۱۳۸۵. *حواس باطنی از منظر معرفت‌شناسی*. معرفت فلسفی، ۴(۳): ۱۰۸-۶۵.
- ۱۱) رحیم پور، فروغ. ۱۳۸۵. *مبانی و آثار مجرد یا مادی بودن قوه خیال از دیدگاه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا*. *مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۴۶(۲): ۱۳۹-۱۱۹.
- ۱۲) سامه، رضا. ۱۳۹۴. *معماری و کیفیت زندگی انسان در نظام معرفتی اسلام*. قزوین: ناشر جهاد دانشگاهی واحد قزوین. چاپ اول.
- ۱۳) شجاری، مرتضی و محمد علیزاده، جعفر. ۱۳۹۱. ارتباط مراتب انسان با مراتب هستی از دیدگاه ملاصدرا. *انسان پژوهی دینی*، ش ۲۷، بهار و تابستان، ۲۷-۵.
- ۱۴) شجاری، مرتضی. ۱۳۸۸. تجلی توحید در نفس انسانی از منظر ابن عربی و ملاصدرا. *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، ۸۲(۴۱): ۱۴۶-۱۱۵.
- ۱۵) شریف زاده، بهمن. ۱۳۸۴. *فطرت، قوای نفس، منبع یا حالت؟ قیسات سال دهم* ۳۷-۲۳.
- ۱۶) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۳. *الف. شواهد الربوبیه*، ترجمه و شرح جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش چاپ سوم.
- ۱۷) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۳۸۳. *ب. ترجمه اسفار*، محمد خواجه‌جو، تهران: انتشارات مولی.
- ۱۸) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۸. *الاسفار الاربعه*. ج ۸، تهران: شرکت دارالمعارف الاسلامیه.
- ۱۹) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۳۷۵. *رساله الشواهد الربوبیه*، مجموعه رسایل فلسفی صدرالمثالین. تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی، تهران: حکمت.
- ۲۰) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۳۶۱. *العرشیه*. تصحیح غلامحسین آهنی. تهران: مولی.
- ۲۱) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۴۱۰ ق. *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*. بیروت: داراحیا التراث العزلی، ج ۸.
- ۲۲) شیرازی، صدرالدین. محمدبن ابراهیم. ۱۹۸۱ م. *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*. بیروت: داراحیا التراث العزلی، ج ۱.
- ۲۳) طوسی، نصیرالدین. ۱۳۷۵. *شرح الاشارات و التنبیهات*. نشر البلاغه، چاپ اول. ج ۲.
- ۲۴) لنگ، جان. ۱۳۹۰. *آفرینش نظریه معماری*. ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- ۲۵) نامور، مطلق، بهمن. ۱۳۸۴. *تخیل و خلاقیت هنری*. مقالات اولین هم‌اندیشی تخیل هنری، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر: ۲۱۷-۱۹۳.
- ۲۶) ندیمی، هادی. ۱۳۸۰. *بهاء حقیقت مدخلی بر زیبایی شناسی معماری اسلامی*. صفه ۳۳: ۵۷-۴۷.
- ۲۷) نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۹۳. *تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی - هندسی در معماری*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

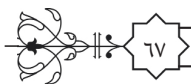


- ۲۸) نقره کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۲۹) نقی زاده، محمد و استادی، مریم. ۱۳۹۳. مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرایند آن در فلسفه و روانشناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری. *فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی*، ۲(۲): ۳-۱۴.
- ۳۰) هال، استیون. پالاسما، یوهانی و پرزگومز، آلبرتو. ۱۳۹۴. پرسش های ادراک: پدیدارشناسی معماری، ترجمه علی اکبری و محمد امین شریفیان، تهران: ناشر پرهام نقش چاپ اول.

References

1. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 2004. a. *Shavahedol- Robubieh*, (javad mosleh, Trans). Tehran: Soroush press.
2. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 2004. b. *The translation of Asfar*. (Mohamad Khajavi, Trans). Tehran: Mola publication.
3. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 1999. *Alasfarol-Arbaeh. V.8*, Tehran: Darol-maarefel-Islamieh company.
4. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 1996. *The complet philosophical treatises*. (Resaleh Alshavahedol-Robubieh). (Mohammad naji, Trans & Edit). Tehran: Hekmat publication.
5. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 1982. *Al-Arshieh*. (Gholamhosein, Ahani, Edit). Tehran: Mola publication.
6. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 1989. *Al-Hekmat-Al-Motealieh fi Alasfar Alarba'a*. Beirut: Dare-ahya Altras Alazali. Vol: 8
7. Al-Shirazi, Sadr-Alddin Mohammad. 1981. *Al-Hekmat-Al-Motealieh fi Alasfar Alarba'a*. Beirut: Dare-ahya Altras Alazali. Vol: 1
8. Al-Tusi, Nasir. 1996. *Al - Din. Sharh al - esharat va al - tanbihat*. Albalagheh publication.
9. Arshad Riahi, Ali. Eskandari, Hamidreza. 2010. Developmental Stages of breath From the perspective of Mulla Sadra. *Ensan Pazhuhi Dini*, 24(7), 125-137.
10. Arshad Riahi, Ali & Vaseei, Safieh. 2011. Communicating existence with levels of perception From the perspective of Mulla Sadra. *Motaleate Eslami, Falsafeh va Kalam*. 43(2), 86, 9-45.
11. Bolkhari, Hasan. 2005. *Mystical Foundations of Islamic Aart and Architecture*. Tehran: sureh Mehr press.
12. Ebrahimi Dinani, Gholamhosein. 2007. *Radius thought and intuition in the philosophy of Suhrawardi*, tehran: Hekmat publication.
13. Gibson, James Jerome. 1966. *The Senses Considered as Perceptual Systems*. Houghton, Mifflin, Boston.
14. Hasanzadeh Amoli, Hasan. 2007. *Hundred words in knowledge of the soul*. Ghom: Ghyam publication
15. Hasanzadeh Amoli, Hasan. 1998. *Thousand and One Tip*. Tehran: Raja Nshrfirhngy Center.
16. Holl, Steven. Pallasmaa, Juhani. Pérez-Gómez, Alberto. 2015. *Questions of Perception: Phenomenology of Architecture*. (Akbari, Ali & Sharifian, Mohammad Amin. trans). Tehran: Parham-Naghsh publication.
17. Hoseinzadeh, Mohammad. 2006. Inside senses from the perspective of epistemology. *Philosophical knowledge*. 4(3): 65-108.
18. Lang, Jan. 2004. *Creating architectural theory: the role of the behavioral sciences in environmental design*. (Einifar, A. trans). Tehran: Tehran university press. 3th edition.
19. Nadimi, Hadi. 2001. Bahae Haghghat Madkhali bar Zibaei Shenase Memarie Eslami. *Soffeh* 33: 47-55.
20. Namvar Motlagh, Bahman. 2005. Imagination and artistic creativity. *The first conference papers artistic imagination*. Tehran: Farhangestane-Honar publication. p 193-217.
21. a. Naghizadeh, Mohammad. Ostadi, Maryam. 2014. A Comparative Analysis of the Notion of Perception and Its Process in Environmental Psychology and Philosophy with an Emphasis on Its Application to Urban Design. *Journal of Researches in Islamic Architecture*. 2(2): 3-14.
22. Noghrekar, Abdolhamid. 2014. *Human perceptual interaction with geometric spatial ideas in architecture*. Tehran: Amirkabir publication.
23. Noghrekar, Abdolhamid. 2008. *Introduction to Islamic identity in architecture and urbanism*. Tehran: vezarate maskan & Shahrzazi press
24. Pallasmaa, Juhani. 2009. *The eyes of the skin: architecture and the senses*. (Ghods, Ramin. trans). Tehran: GanjHonar-ParhamNaghsh Publication.
25. Rahimpur, Frugh. 2006. Foundations and works of incorporeal or materiality of imagination, Point of view of Ibn Sina, Suhrawardi and Mulla Sadra. *Journal of Literature and Human Sciences, University of Isfahan*. 46(2): 119-139.
26. Sameh, Reza. 2015. *Architecture and quality of human life*. Ghazvin: Jahadedaneshgahi publication. 1th edit.
27. Shajari, Morteza. Mohamdalizadeh, Jaafar. 2012. The connection of human being's levels and the degrees of existence in Mulla sadra. *religious Anthropology*. 27: 5-27
28. Shajari, Morteza. 2009. Manifestation of unity of the human soul From the perspective of Ibne Arabi And Molasadra. *Motaleate Eslami: Falsafeh & Kalam*. 82(41): 115-146.
29. Sharifzadeh, Bahman. 2005. Fitra, forces the soul, the source or mode?. *Ghabasat*. 10: 23-37.





30. Taghavi,seyed Mohamadreza,Hoseini,Seyed Aliakbar,Salimi,Seyed Hosein &Molazadeh,Javad.2009. Introduction to the the assumptions and the status of discovery and inspiration in the learning process from the viewpoint of Islamic scholars. *Islamic upbringing*,4(8):141-160.
31. Taghdir,Samneh.2014. *The structure of process of creation and perception of architecture based on the principles of transcendent wisdom*.Tehran:Iran university of Science and Technology.

Archive of SID





Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural works Based On Transcendent Wisdom

Samaneh Taghdir*

Assistant Professor, Faculty of Architecture & Environmental Design, Iran University of Science and Technology

Received: 2017/04/04

Accepted: 2017/05/27

Abstract

Understanding the human perception levels and their process, and his interaction with the existence is an important topic in the field of architecture. In the contemporary era, the architecture pundits have shown more interest in the degrees of human perception and its role in the quality of creation of architectural works process and have criticized the modern perspective of sensory perception level and focusing on the sense of sight, and raised the necessity of considering all the human perception levels.

Nowadays, the human perception of the universe and its impact on architecture and urban development in the form of a category such as «human and environment relationship» is studied from the perspective of psychology and by environmental psychologists. But they have not a distinct philosophical perspective and clear theoretical basis to define the mankind, his perceptual levels and its dimensions and environment and how it has an impact on humans; and the absence of this attitude has damaged the field of environmental design, like architecture and urban development. Therefore, to achieve accurate results we must set up comprehensive principles as a basis.

Therefore, the approach of the present study is different from the common research in this area and based on the principles of Transcendental Wisdom as its theoretical foundation, we explain the relationship between the human perception levels of the universe and the quality of creating architecture works and its impacts.

The reason for the choice of Transcendental Wisdom as the theoretical research foundation wisdom is that the theoretical basis of the author for research has always been the “maximum religion” theory and among famous philosophical schools, the philosophical school of Mulla Sadra a.k.a. Transcendental Wisdom is close to “maximum religion” theory. Because, as in this theory to gain knowledge we use three tools of Holy Quran, tradition, and reason and instincts in a longitudinal relationship, in Transcendental Wisdom we gain knowledge based on illumination or intellectual intuition, (revelation, fascination or illumination) intellectual argument or reasoning (wisdom or reasoning) and religion or oracle (religious or oracle).

Therefore, we set up our theoretical foundation based on Transcendental Wisdom and to do this research in the first stage, we use the descriptive-analytical method to define mankind, his perception levels and perceptual powers, and the process of realization of any of the levels based

* S_taghdir@iust.ac.ir



on the principles of transcendental philosophy; and next, we use logical reasoning and deduction to express the correspondences between human perception levels and the universe and with the help of models we use the degrees and levels of human perception regarding the universe, and accordingly we explain the impact of human perception levels and the level of his interaction with the existence on the formation of the quality of architectural works.

Based on the research and its results, it can be said that humans have four levels of perception (sensory, mental, imaginary, and intuitional) corresponding to the realms of existence. The apparent powers (sight, hearing, smell, taste, touch) and inward powers (common sense, imagination, illusion, memory, MOTESAREFEH) help him to realize his perception. studies show that the human perception creates a treasury of meaning and form in the human ego and this treasury is the most important source of shaping ideas for the artist human. Because the architect human by using his MOTESAREFEH power and referring to the meaning and form treasury in his ego proceeds to create and thus, the content quality of this treasury influences the quality of creation of architectural works.

It should be noted that on the basis of past studies, the human perception levels and his ability to interact with the levels of existence is affected by the level of existence of the artist human. In fact, it is his interact level with the existence that forms his form and meaning treasury and sets the stage for the quality of art and architecture works. Also, based on the perspective of transcendental philosophy, other factors that affect the quality of architectural works consist of intrinsic talents and acquired skills in humans.

Keywords: perception levels, perception process, Create, architectural works, Transcendental Wisdom.



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Mohsen Faizi

Administrative Director:

Mohammad Mannan Raeesi

Administrative assistant:

Zahra Kashanidoust

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: MohamadReza Ataee Hamedani

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,
Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,
Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,
Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University
of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University
of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University
of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Abdol hamid Noqrehkar: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,
Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume5, Number14:

Ali Asadpour: Assistant Professor, Shiraz Art University

Minoo Gharabeiglu: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art
University

Parisa Hashempur: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art

AliAkbar Heidary: Assistant Professor, University of Yasooj

Abolfazl Meshkini: Assistant Professor, Tarbiat Modares
University

Tahereh Nasr: Assistant Professor, Eslamic Azad University

Abdol hamid Noqrehkar: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Saeed Norozian: Assistant Professor, Shahid Beheshti
University

Hanieh Okhovat: Assistant Professor, University of Tehran

Maryam Ostadi: Assistant Professor, Eslamic Azad
University

Mohammad Manan Raeesi: Assistant Professor, University of Qom

Mohamad Ranjbar Kermani: Assistant Professor, University of Qom

Mansureh Tahbaz: Associate Professor, Sahid Beheshti
University

Samaneh Taqdir: Assistant Professor, Iran University of Science
and Technology

Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor
University





▣ **Extensibility of Man-Made Space by Innovation about Space Opening in Kerman Traditional House**

Seyyed Majid Hashemi Toghroljerdi / Asefi Maziar / Mohajeri Mozafar

▣ **The semantics of life and vitality in Islamic teachings and its effect on the neighborhood**

Farhang Mozaffar / Abdolhamid Noghrekar / Mahdi Hamzenejad / Sedigheh Moein Mehr

▣ **Recognition of Mystical Thoughts Effects on Blue Color in Tile Lining of Iran's Mosques**

Hosein Moradinasab / Mohamad reza Bemanian / Iraj Etesam

▣ **Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural works Based On Transcendent Wisdom**

Samaneh Taghdir

▣ **Eyvan Basic Position to Improve Operational Efficiency in Mosques**

Maryam Kiaee / Yaghoob peyvastehgar / Ali Akbar Heidari

▣ **The Study of Genealogy and Individual Styles of Plaster Workers Of the 14th Century**

Ahmad Salehi akhki / Bahareh Taghavi Nejad

▣ **Compare Spatial Structure –Function Imam Mosque in Isfahan and Shiraz Vakil Mosque**

Mostafa Azadi / Malihe Taghipour